



شنبه ۱۰ شهریور ۱۴۰۳ | ۱۶ صفحه | ۱۰ هزار تومان | دوره سوم | سال سوم | شماره ۵۹۰
www.hammihaonline.ir



مردم آماده عبور از ترامپ هستند

گفت‌وگوی کاملاً هریس باسی آن‌ان و بررسی سیاست‌های خاورمیانه‌ای دو نامزد انتخابات آمریکا



۱۱۰ همت بودجه «کمک»

بررسی بودجه حمایت از مؤسسات و افراد در سال ۱۴۰۳ که به بزرگی یک سوم بودجه عمرانی است



پادشاه و سترن

بازخوانی کارنامه جان فوردر در سالروز درگذشت او و معمای همکاری‌اش با جان وین



منادی وفاق ملی

گفتارهایی درباره آرای سیاسی دکتر ابراهیم یزدی در هفتمین سالگرد درگذشت او

بررسی کشته شدن محمد میرموسوی در لاهیجان و اقدامات و پیگیری‌های دولت و نهادهای ذیربط

علی ورامینی دبیر گروه فرهنگ

در این سال‌ها، فضای امنیتی و پلیسی بارها تکرار شده است؛ ۹۸، ۹۶، ۸۸ و ۱۴۰۱. تداوم شرایط اضطراری انگار که مناسبات حاکم بر آن شرایط را در همه دیگر شرایط حکمران کرده است و قوانین وضعیت اضطرار بر همه اوقات غلبه کرده است. وضعیتی که ساختار سیاسی شأن و جایگاه ویژه‌ای برای نیروهای امنیتی/نظامی قائل می‌شود.

تحلیل سیاست

کمر بندها را ببندید آیا تندر و هادست به بحران‌سازی خواهند زد؟



محسن صالحی خواه
گزارشگر هم‌میهن

سیدمحمود نبویان، نماینده تهران و عضو شاخص جبهه پایداری در توییت خود نوشت: «جناب آقای پزشکیان، آیا جمع شدن اغتشاشگران و حامیان آنها در دولت شما خبر از برنامه‌ریزی برای اغتشاش گسترده و به هم ریختن نظم عمومی و آرامش مردم می‌دهد؟» لازم است که چند نکته را به نماینده محترم تهران و دانشیار فلسفه مؤسسه آیت‌الله مصباح یزدی یادآوری کنیم. منظور نبویان احتمالاً به انتصاب سنگسنگی دولت مربوط می‌شود که از زمان انتشار خبر سپردن این مسئولیت به او، به طور هماهنگ از سوی کاربران شناخته شده فضای مجازی، روزنامه کیهان و برخی چهره‌های سیاسی تندرو مورد حمله قرار گرفته است. بهانه حمله، این است که فاطمه مهاجرانی در دوران انتخابات در یک سخنرانی گفت: «به عنوان یک مادر اجازه نخواهیم داد مهرشاد شهیدی دیگری بر خاک بیفتد، اجازه نمی‌دهیم اندکی تهامیت‌خواه کوچ‌های ما را پر از خون جوانان کنند.» نماینده تهران باید مشخص کنند چه ایرادی در این صحبت و اظهارنظرهای مشابه وجود دارد. چه کسی دوست دارد مهرشاد شهید دیگری بر خاک بیفتد؟ اصلاً چه کسی دوست دارد در اعتراضی خون به زمین ریخته شود؟ این مدل اظهارنظر ریشه در تفکری دارد که ترجیح می‌دهد صورت مسئله را پاک کند و فقط از طرف سیاست‌ورزان، تحلیلگران، روزنامه‌نگاران و جامعه، تأیید شود. پیش از این هم بحث معاون اجرایی پزشکیان به میان آمده بود که چرا در سال ۱۴۰۱، راجع به تخلیه چشم معترضان صحبت کرده بود. صدور حکم کلی «اغتشاش» یا «فتنه» برای مجموعه‌ای از وقایع مثل آنچه سال ۱۴۰۱ در ایران اتفاق افتاد، راه تحلیل درست را می‌بندد. با صدور این احکام، نه زمینه و نارضایتی انباشته‌ای وجود دارد نه اشتباهی رخ داده است. صرفاً تا صد آنچه اتفاق می‌افتد سناریوست. درحالی‌که موج اعتراض درون کشور ایجاد می‌شود؛ گاهی با یک قانون اشتباه با عمری طولانی (اعتراضات ۱۴۰۱ پس از مهسا)، با اعتراض به وضعیتی بحرانی (اعتراضات آبی خوزستان ۱۴۰۰)، اجرای ناگهانی یک تصمیم سرزشت‌ساز (گرانی بنزین ۱۳۹۸) یا سوالات بی‌پاسخ و ابهامات بی‌شمار (وقایع سال ۱۳۸۸)، آیا هر اعتراضی که در کشور رخ می‌دهد، سناریوی خارجی است؟ در این صورت که باید فاتحه کشور را بخوانیم چون حریف هر چند سال یکبار موفق می‌شود این کشور را به هم بریزد! ❏



فاجعه در پاسگاه

گزارش حادثه ۲۰-۳-۱۶

گفت‌وگوی اختصاصی با شینا انصاری معاون رئیس جمهور

برای محیط زیست خواهیم ایستاد

هر پروژه را باید با شرایط خاص خود بررسی کرد، به‌ویژه پروژه‌های بین‌حوزه‌ای و شرایط سیاسی و اجتماعی آن استان. تأکید ما همان حاکمیت قانون و رعایت ضوابط محیط‌زیستی است. نمی‌توان الان به‌صورت موردی در باره پروژه‌ها صحبت کرد، اما به‌طور کلی اگر پروژه در مرحله امکان‌سنجی باشد، تلاش می‌کنیم آن را در مسیر درست خود هدایت و الزامات محیط‌زیستی را برای آن پیاده‌سازی کنیم. ولی اگر پیشرفت فیزیکی یک پروژه زیاد باشد یا پروژه به وجود مخالفت سازمان محیط‌زیست یا همسان‌ای، ام‌پی‌ای را برای آن در نظر بگیریم تا در نهایت فعالیت محیط‌زیست را باعث تخریب بیشتر محیط‌زیست نشود. الان حدود ۴۱۱ پروژه چنین پروژه‌ای باعث تخریب بیشتر محیط‌زیست نشود. ولی وجود دارند که مربوط به سال‌های قبل هستند و مجوز محیط‌زیستی ندارند، ولی پیشرفت فیزیکی دارند و در بعضی موارد حتی بهره‌برداری هم شده‌اند. بعضی از این پروژه‌ها هم مربوط به انتقال آب بین‌حوزه‌ای هستند؛ یکی از اولویت‌دارترین موضوعاتی که آن را پیگیری خواهیم کرد.

مصاحبه
جامعه
۱۳-۱۴

عبدالصمد خرمشاهی وکیل

در این حادثه خوشبختانه مسئولان امر سریعاً موضوع را پیگیری کرده‌اند. به هر حال به لحاظ حساسیت موضوع، بر مسئولین ناجا فرض است که به شدت با چنین اعمالی برخورد کنند. مردم در همه جای دنیا با مشاهده پلیس احساس امنیت می‌کنند. اگر اینگونه اعمال باعث وحشت و نگرانی مردم شود قطعاً خلاف اهداف نظام و مسئولین و همچنین خلاف رسالت و وظیفه نیروی انتظامی است.

سرمقاله

سیاست‌پیشگیرانه در ماجرای لاهیجان

در روزهای گذشته اتفاقی تأثیرآور در پاسگاه لاهیجان رخ داد و یک بازداشتی بر اثر ضربات وارده کشته شد. بازتاب رسانه‌ای آن گسترده بود و در نهایت به دستور آقای رئیس‌جمهور و در اقدامی سریع، گروهی برای بررسی ماجرا به منطقه اعزام شدند. فراتر از انعکاس خبر و تحلیل ماجرا وظیفه داریم که به درک چگونگی مواجهه حکومت و ساختار رسمی در این مسئله بپردازیم. اولین نکته و شاید مهمترین نکته این است که رویکرد حکومت در مواجهه با این موارد چگونه باید باشد؟ دورویکرد متصور است. رویکرد شفاف و قانونگرا؛ رویکرد غیرشفاف و مصلحت‌گرا. رویکرد اول می‌پذیرد که این گونه اتفاقات حتی در پیشرفته‌ترین کشورهای هم احتمال رخ دادن دارد. راه جلوگیری از تکرار آن و نیز تشفی خاطر دادن به مردم و حتی آرامش دادن به خانواده مقتول و متوفای رعایت شفافیت و بیان حقیقت و اعمال قانون بدون تبعیض است. بیایید به مورد مهسا امینی در سال ۱۴۰۱ نگاهی بیاندازیم. فارغ از اینکه آیا گشت ارشاد قانونی بود یا نبود، بهترین راه اجازه دادن به خانواده و وکلای خانواده آن دختر خانم برای رسیدگی کامل و شفاف و بی‌طرفانه از عملکرد پلیس بود تا سپس در دادگاه رسیدگی شود. پلیس و دادگاه باید کاملاً بی‌طرف در این ماجرا حضور می‌یافتند و اجازه می‌دادند که مثل یک حادثه عادی رسیدگی شود. اگر چنین شده بود به‌طور قطع و یقین اتفاقات ۱۴۰۱ رخ نمی‌داد و حتی اعتبار پلیس هم بیش از پیش می‌شد و در مسیر حل و اصلاح موانع موجود در اجرای وظایف پلیس بر می‌آمدند. مدافعان شوهه دوم علیه آن دختر خانم داوری داشتند و معتقد بود که پلیس هر چه می‌گوید، درست است و هر گونه مواجهه‌ای با تخلفات پلیس تضعیف آن است و نباید اجازه داد که روحیه آنان تضعیف شود. این رویکرد صددرصد اشتباه بود و هزینه سنگینی را بر دوش کشور و پلیس بار کرد و هنوز هم پرونده مرگ مهسا امینی بسته نشده است و برداشت اغلب یا تعداد زیادی از مردم درباره این مرگ دلخراش مغایر با توصیف و گزارش رسمی است؛ پرونده‌ای که همچنان باز است و معلوم نیست کی بسته و فراموش شود؟ از این پرونده‌ها زیاد داریم. نمونه دیگر آن در ابتدای دوره اصلاحات و مشهور به قتل‌های زنجیره‌ای است. در آنجا و بر خلاف ماجرای مهسا، آقای خاتمی بلافاصله اقدام کردند و به‌رغم وجود ضعف‌های فراوان، آن پرونده به نسبت روشن شد و مهمتر از همه اینکه آن رسیدگی، مانع از تکرار آن گونه جنایات شد. همچنین، به احیای اقتدار تخریب‌شده وزارت اطلاعات انجامید. این دو برخورد را در دو دولت اصلاح‌طلب و اصولگرا می‌توان شاهدی بر دورویکرد شفافیت، قانونگرایی، و پاسخگویی در یک‌سو، و در سوی دیگر مصلحت‌گرایی در اجرای نکردن قانون و پنهانکاری و توجیه‌گرایی نامید. الان تمرکز را گذاشته‌اند بر اینکه مقتول خودش چنین و چنان بوده. ❏